

در سایه آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته

■ عنوان: در سایه آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته
 ■ نویسنده: سون اریک لیدمن
 ■ مترجم: سعید مقدم
 ■ سال نشر: ۱۳۸۷
 ■ نشر: اختران، ۶۲۴ صفحه
 ■ قیمت: شومیز ۹۵۰۰- زرکوب ۱۱۰۰۰ تومان
 ■ معرفی و نقد: محمد لعل علیزاده
 ■ دانشجوی دکتری مطالعات ایران، دانشگاه تربیت مدرس

معرفی کتاب

کتاب «در سایه آینده تاریخ اندیشه مدرنیته»، نوشته سون اریک لیدمن پژوهشگر و نویسنده سوئدی و استاد تاریخ اندیشه در دانشگاه گوتنبرگ سوئد است. این کتاب در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و در همین سال برنده جایزه معتبر آگوست شد. نشر اختران این کتاب را در سال ۱۳۸۷ با ترجمه‌ی آقای سعید مقدم وارد بازار کتاب کرد. این کتاب ششصد و نوزده صفحه‌ای متشکل از یازده فصل به تغییرات و تحولات سال‌های پس از قرون وسطی می‌پردازد.

ساختار و سامانه کتاب

این کتاب علاوه بر یادداشت کوتاه مترجم از یک پیشگفتار و سه پاره تشکیل شده است. پاره اول کتاب با عنوان «در سر هر انسان» از چهار فصل با عناوین ساعت، مکان، زمان و انسان تشکیل شده است. پاره دوم این کتاب چهار فصل با عنوان «نهادهای» فصول پنجم تا هشتم این کتاب را به خود اختصاص داده اند. عنوان فصل پنجم «آموزش برای زندگی»، فصل ششم «حقیقت و نیک»، فصل هفتم «مصنوعات» و فصل هشتم «سیاست قدسی» است.

پاره سوم کتاب لیدمن با عنوان کتاب یکی است. پاره سوم با «در سایه آینده» سه فصل «اسون مدرنیته»، اروپایی‌ها و دیگران» و اندیشه پیشرفت» را بررسی می‌کند.

عنوان کتاب «لیدمن» از آگوستینوس قدیس گرفته شده است. آگوستینوس گفته بود: «تاریخ در سایه‌ی آینده رخ می‌دهد» به نظر می‌رسد آثار لیدمن برای دانشجویان و پژوهشگران (به ویژه در سوئد) به خاطر مهارت وی در توضیح مسائل پیچیده به زبان ساده و به دور از عامیانه گویی مقبول افتاده است.

در این نوشتار بررسی خواهد شد که آیا نویسنده محترم در این کتاب نیز در این امر (بیان ساده تاریخ اندیشه مدرن به دور از عامیانه گویی) موفق بوده است؟

در «راه پیش رو» خطر تجاوز به حریم خصوصی را رد می‌کند و معتقد است فرد همچنان خودمختار باقی می‌ماند (ص ۴۰۸).

کتاب «در سایه‌ی آینده تاریخ اندیشه مدرنیته» پس از اشاره به ویژگی‌ها و وجه تمایز دوران مدرن با دیگر دوره‌ها می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که «آیا با انسان محوری و عقل محوری دوران مدرن، می‌توان گفت که واقعا انسان مسلط بر طبیعت است؟ آیا مدرنیته افسون زدایی می‌کند یا دچار افسون زدگی جدید می‌گردد؟ آیا آنچه که ویکتور هگو درباره چیرگی انسان بر طبیعت می‌نویسد، واقعیت دارد؟

هگو می‌نویسد: ما هیدرا [موجودی افسانه‌ای با چندین سر که در کنار آب به سر می‌برد] را رام کرده‌ایم و نام آن را کشتی بخار گذاشته‌ایم؛ ازدها را رام کرده‌ایم و به آن لکوموتیو می‌گوییم؛ می‌رویم که گریفون [موجودی افسانه‌ای با سر و بال عقاب و بدن شیر] را هم رام کنیم... و نام بالون را بر آن نهاده‌ایم. (ص ۴۲۰).

به نظر لیدمن تابلوی «حقیقت» (ص ۴۷۳) اثر لئور نقاش فرانسوی، مثال گویایی از افسون تکنولوژی است. «این تابلو زن زیبا و جوانی را نشان می‌دهد که همچون حقیقت عریان است. او یک دستش را مانند کسانی که در دوران باستان مشعل حمل می‌کردند بالا گرفته است. اما او نه مشعل-نماد حقیقت و روشنگری در عهد باستان- بلکه یک لامپ روشن برق در دست دارد» (ص ۴۷۵) لامپ شیئی بیش پا افتاده است و به عنوان نماد حقیقت مناسب نیست.

لیدمن هم از افسون زدایی مدرنیته و هم از افسون زدگی جدید سخن می‌گوید و در نهایت بدون ارائه پیشنهاد یا راه حل مناسب، کتاب را با توصیف صرف به پایان می‌رساند.

در تکمیل بحث از محتوا و محور کتاب لیدمن، اشاره به جملاتی از کتاب «چشم اندازها: انقلاب‌های علم در قرن بیست و یکم»، اثر کاکو می‌تواند به فهم و دریافت مسائلی این چینی کمک کند: «خواه رایانه‌ها، یاوران ابدی ما باشند یا اربابان ما، یک چیز امر قطعی است: آن‌ها به دور افکنده نمی‌شوند... امکان دارد ما عزیزان دلبند رایانه‌ها شویم، موجودات نازپرورده‌ای گردیم که همانند سگان دست آموز رهبری شویم، اما من امیدوارم اگر احساسی چنین داشته باشیم همیشه توان و استعداد بیرون کشیدن کلید را از پریز برای خود محفوظ بداریم» (کاکو، پیشین: ۲۰۷).

برای ورود به نقد کتاب یازده فصل کتاب را به صورت مختصر مرور می‌کنیم:

در فصل اول ساعت مکانیکی به عنوان نماد عصر مدرن مورد بررسی قرار می‌گیرد و تغییراتی را که در ساخت جامعه موجب می‌گردد، تشریح می‌شود. تغییر از جهان بینی بطلمیوسی به کپرنیکی و به تبع آن تغییر در انسان موضوع فصل دوم با عنوان مکان است. دو تفسیر از انقلاب کپرنیکی در نگاه به انسان بررسی می‌گردد:

به نظر می‌رسد مهمترین هدف لیدمن پاسخ به دو پرسش زیر بوده است:

۱. وجه مشخصه، ویژگی و مختصات مدرنیته چیست؟
 ۲. وجه تمایز دوران مدرن با دوران قبل و بعد آن در چیست؟
- در پاسخ به این پرسش‌ها وارد بررسی محتوا و محور این کتاب می‌شویم.

خلاصه‌ای از محتوا و محور کتاب

لیدمن در پاسخ به پرسش‌های یاد شده (مختصات و وجه تمایز مدرنیته از دیگر دوره‌ها) از روشنگری آغاز می‌کند و به بررسی تغییرات و تحولات عظیم در زمینه اندیشه در قرن‌های اخیر می‌پردازد. لیدمن نشان می‌دهد تصویر انسان مدرن از مکان، زمان، انسان، مذهب، هنر، سیاست، پیشرفت، سودآوری، صنعت و تکنیک و... چگونه شکل گرفته است. در راستای بررسی تاریخ اندیشه مدرن به تحولات، تقابل‌ها و تضادهای گفتمانی می‌پردازد. ریشه‌های تغییرات در عصر جدید را به صورت جزئی تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که چه تمایزی بین نگاه انسان در گذشته و عصر جدید وجود دارد.

لیدمن در بررسی تاریخ اندیشه مدرن به دو روایت انسان مدرن از خود و عقل خویش اشاره می‌کند:

۱. چگونه انسان با عقل خود رآزاد می‌کند.
۲. چگونه محیط و توارث در برابر این آزاد سازی مانع ایجاد می‌کند.

این دوگانگی‌ها خواننده رابه یاد پیش بینی‌های دو نویسنده مشهور از تحولات تکنولوژیگ و انقلاب ارتباطات می‌اندازد:

۱. هاکسلی که آینده‌ای را پیش بینی می‌کرد که پر از خیر و برکت، رفاه، جهانی با ارتباطات آنی، دانش و خرد نامحدود، راحتی، آسایش و... است.

۲. ارول که چشم اندازی تاریک از آینده را ترسیم می‌کرد. در داستان ۱۹۸۴ جورج اورول، آینده جهانی کابوس آسا ترسیم شده است که در آن حکومت‌های دیکتاتوری همه جنبه‌های زندگی را کنترل و اداره می‌نمایند (کاکو، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

لیدمن نیز در این کتاب به نگاه دو نویسنده‌ی مشهور درباره کامپیوتر اشاره می‌کند:

آلون فیزیک دانی است که از بیرون به کامپیوتر نگاه می‌کند و از تهدید آزادی فکری شهروندان از جانب دولت به کمک تکنیک سخن می‌گوید. زمانی که آلون از نابود کردن ذاتی شهروندان برای آزاد اندیشیدن می‌گوید همان هراسی را که اورول در داستان ۱۹۸۴ توصیف می‌کند به ذهن متبادر می‌سازد (ص ۴۰۷).

در مقابل این نگاه تیره از آینده، لیدمن به کتاب بیل گیتس (بنیان گذار میکروسافت) و محصول ساخت خود وی اشاره می‌کند. گیتس

مسئله نهادی شده مطرح نیست بلکه به منزله‌ی مسئله‌ای اخلاقی و فرهنگی دارای اهمیت است» (ص ۵۵۴).

برخی نقاط قوت کتاب

۱. توصیف تاریخ اندیشه مدرنیته و اندیشمندان عمده مدرنیته به زبان ساده
۲. ترکیب مباحث اندیشه‌ای با مفاهیم و پدیده‌های ملموس نظیر ساعت، جدول ضرب
۳. ارائه تصویر به همراه شرح کوتاه در مورد هر فصل در آغاز آن
۴. اشراف نویسنده به تاریخ و جزئیات تاریخ مرتبط با مدرنیته
۵. ارائه جمع بندی مناسب و جامع در فصل آخر
۶. تصویر و ترسیم زیبا از دوگانگی‌ها، نگاه‌های متفاوت در هر فصل، یادآور ترکیب دوگانگی‌های برایان فی در کتاب «فلسفه امروزی علوم اجتماعی» است.
۷. استفاده از داستان (داستان ژول ورن و...) یا نقاشی (تابلوی لفور و...) در تفهیم مطالب
۸. بیان و قبول واقعیت‌های تمدن‌های دیگر نظیر چین، هند، بومیان آمریکا و...
- لیدمن در این باره می‌نویسد: اروپاییان با چین و هند پیش از آن که خود در راه پیشرفت مدرن قدم بگذارند آشنا شدند... در قرن هجدهم چین شیفتگی در اروپا رواج داشت و در اوایل قرن ۱۹ با کشف سانسکریت و ادبیات کلاسیک هندی شیفتگی نسبت به هند نیز افزایش یافت (ص ۵۳۶).
۹. ارائه تصویر روشن از نقد مدرنیته
۱۰. نقد رویکرد تک خطی به توسعه و به چالش کشیدن مدرنیته اروپایی و ارائه روایت‌های و مسیرهای متفاوت از مدرنیته
۱۱. ترجمه روان، زیبا و گویای مترجم

نقد کتاب

- ترجمه‌ی «در سایه‌ی آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته»، به لحاظ شکلی دارای اشکالات و کاستی‌های زیر می‌باشد:
۱. دویخش عنوان کتب با علامت دو نقطه از هم جدا گردد. در متن اصلی با دو نقطه، دو قسمت از هم جدا شده اند.
 ۲. آمدن دو فعل پشت سرهم بدون علامت ویرگول (صص ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵ و...، ۲۱۰ و...)
 ۳. پیرانتز بسته نشده است (صص ۲۲، ۱۱۹، ۱۳۷).
 ۴. حذف فاصله‌ی بین دو حرف یک کلمه: احتمالاً (ص ۸۰)، معمولاً (ص ۵۱۴).
 ۵. ابهام در جمله: «موجب نمی‌دانم چه راز و هراس مرموزی می‌شود که...» (ص ۸۳ سطر ۲۵).

اساس تفسیر فروید، انسان جایگاه مرکزی خود را در هستی از دست می‌دهد و انقلاب کپرنیکی اولین گام در تنزل جایگاه انسان در نظر گرفته می‌شود.

براساس تفسیر کندرسه، تغییراتی که با انقلاب کپرنیکی رخ می‌دهد، نشانی از پیروزی انسان است.

فصل سوم به زیر سوال رفتن تصور تاریخ کوتاه و محدود در قدیم با کانت اختصاص یافته است. فضای باز نامحدود جایگزین عالم بسته و محدود می‌شود و تغییراتی را در عرصه‌های مختلف به دنبال دارد. در این فصل از نظریه نسبیت اینشتین که زمان را بعد دیگری از مکان تلقی می‌کرد، سخن به میان می‌آید.

فصل چهارم به برداشتها و تصاویر ذهنی قدیم و جدید از انسان اختصاص دارد. نگاه عام‌نگری در مقابل خاص‌نگری، بحث پارادایم‌های کوهن و مباحث چند فرهنگی در هزاره سوم مهم‌ترین موضوعات این فصل می‌باشد.

فصل پنجم به نهادها (مدرسه، دانشگاه، آموزش و...)، اختصاص دارد. محدودیت‌های ساختاری نظام آموزشی و چگونگی رفع این محدودیت‌ها با طرح‌های هومبولت و دیوئی (ص ۲۶۶) موضوع این فصل می‌باشد.

فصل ششم با عنوان «حقیقت» از قرون وسطی و مباحث مرتبط با تلفیق دین و سیاست تا ریشه‌های شکل‌گیری سکولاریسم، پوزیتیویسم، حاقه وین و نظریه ویتگنشتاین و پساساختارگرایی چون دریدا را در بر می‌گیرد.

نقد سرمایه داری و پوزیتیویسمها با کارهای بنیامین و آدورنو و ارائه دو نگاه در مورد آینده علم (آلون و گیتس) موضوع فصل هفتم می‌باشد.

«سیاست قدسی» عنوان فصل هشتم است که به چگونگی پیروزی انسان بر طبیعت اشاره می‌کند و پس از اشاره به انقلاب فرانسه و نظریه‌های سن سیمون، کنت، هگل، فوئرباخ، مارکس و لنین درباره مذهب، به دیدگاه‌های پست مدرن‌ها در باره مذهب اشاره می‌کند. لیدمن در این فصل به بنیادگرایی، نئو کنسرواتیسیسم و الهیات‌رهای بخش نیز به صورت گذرا اشاره دارد.

افسون زدایی یا افسون زدگی جدید موضوع فصل نهم است که به نوعی نقد مدرنیته با اندیشمندان مکتب فرانکفورت و هایدگر است.

فصل دهم به مسیرهای متفاوت و مختلف مدرنیته اشاره دارد و به نقد هومی‌بابا، سعید و... از مدرنیته اروپایی نیز اشاره می‌کند.

فصل آخر کتاب، جمع بندی کل مبحث کتاب است. لیدمن در این فصل به مخالفان و منتقدان مدرنیته اشاره می‌کند. انتقادهای کمونی تاریانیست‌ها (مک‌اینتایر، والزر و...) و هابرماس در کنار تاکید لیدمن بر اخلاق، پایان بخش این کتاب است: «اخلاق، بارزترین جزء روشنگری نرم، در کانون توجه قرار گرفته است... دموکراسی تنها به عنوان یک



با عنوان پوزیتیویسم، نقد پوزیتیویسم، حلقه وین، ویتگنشتاین، پاساختارگرایی و... ضروری به نظر می‌رسد.

این پراکندگی و عدم انسجام مطالب و مکاتب در فصل هشتم نیز دیده می‌شود. به سن سیمون، کنت، هگل، مارکس و... پست مدرن‌ها، بنیادگرها، نوکنسرواتیسم و الهیات رهایی بخش به صورت پراکنده و بدون انسجام اشاره می‌شود.

۹. به نظر لیدمن افسون زدگی جدید که در عصر مدرن پدیدار شده است. اما بهتر است به جای «افسون زدگی جدید» از کلماتی نظیر ابهام، گیجی، بی هویتی و... استفاده شود.

افسون زدگی قدیم از جهل خاصی نشأت می‌گرفت در حالی که حیرت، ابهام و... امروز با آن افسون زدگی قدیم متفاوت است.

۱۰. در اشاره به تمدن‌های قدیم (چین و هندو...) کمتر به تمدن بزرگ ایران اشاره می‌کند.

۱۱. به روایت‌های متفاوت مدرنیته اشاره می‌کند ولی باید گفت که مدرنیته چارچوب کلی یکسانی دارد. مدرنیته‌های گوناگون فاصله‌ی زیادی از هم ندارند. یک مدرنیته داریم فقط مسیرها متفاوت است.

منابع

۱. کاکو، میچیو (۱۳۸۱)، چشم اندازه‌ها: انقلاب‌های علم در قرن بیست و یکم، ترجمه یوسف اردبیلی، تهران: ققنوس.
۲. لیدمن، سون-اریک (۱۳۸۷)، در سایه‌ی آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته، ترجمه سعید مقدم، تهران: اختران.

۶. تصحیح کلماتی نظیر همو (ص ۱۸۸)، انطباط (ص ۲۸۷).

علاوه بر کاستی‌های شکلی یادشده، اثر لیدمن به لحاظ محتوا نیز دارای کاستی‌های زیر می‌باشد:

۱. به نظر می‌رسد که بهتر بود مترجم بر این کتاب حجیم مقدمه یا یادداشتی بیشتر می‌نوشت. یادداشت بسیار مختصر مترجم در کنار پیشگفتار ثقیل، ورود به فصول کتاب را مشکل ساخته است.
۲. مترجم می‌نویسد: رجعت به تاریخ اغلب سطحی و نادرست انجام می‌شود، اما نویسنده در این کتاب تکامل اندیشه مدرن را بر بنیادی استوار... (ص ۵).

مترجم در تایید گفته‌ی خویش نه به نقد آثار می‌پردازد و نه جنبه مثبت این کتاب را نشان می‌دهد. بیشتر بر مطالبی تاکید می‌کند که کتاب‌های مختلف به آن پرداخته‌اند: تمایز انسان مدرن با انسان پیش مدرن و...

۳. پیشگفتار کتاب بسیار ثقیل است. پیشگفتار باید ساده و به نوعی ساماندهی و بیانگر ساختار فصول کتاب باشد. اما نویسنده پیشگفتار را با کندرسه آغاز و با ذکر تمایز دیدگاه‌ها بر ماس و لیونار وارد مباحث فلسفی صرف می‌گردد.

۴. نگاه تعصبی به مسیحیت در کنار عدم نگاه عمقی و دقیق به اسلام

لیدمن می‌نویسد: مسیحیت دینی وقت شناس است... نه اسلام و نه یهودیت دستوری در مورد به جا آوردن دعا و نماز در وقت دقیق نداشتند، در حالی که مسیحیت از قرن چهارم میلادی به بعد مراسم عشا‌ی ربانی و دیگر نیایش‌ها را در وقت معینی برگزار می‌کرد (ص ۶۲).

۵. نگاه و رویکرد تاریخی و توصیفی. لیدمن استاد تاریخ است اما تاریخ صرفاً توصیف نیست و بویژه موضوع کتاب وی و مباحث آن نیاز تحلیل دارد. اشاره به دیدگاه‌های مختلف درباره آینده انسان و... صرفاً با دیدی توصیفی قابل بررسی نمی‌باشند.

۶. لیدمن می‌نویسد: پارادایم مفهوم کلیدی کوهن که اکنون بسیار عوامانه و ابکی در بحث‌ها به کار برده می‌شود (ص ۲۰۹). به نظر می‌رسد که اساتید، دانشجویان و پژوهشگران ایران پارادایم را به همان معنای لیدمن مدنظر دارند و معلوم نیست که منظور لیدمن از استفاده پارادایم در مفهوم عوامانه و ابکی آن کدام خوانندگان یا پژوهشگران... است؟!.

۷. مباحث چند فرهنگی که در فصل چهارم به آنها می‌پردازد، بسیار پراکنده و مبهم است.

۸. در فصل ششم نظریه‌های مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند. مرزهای نظریه پردازان و مکاتب کاملاً مشخص نمی‌گردد. به نظر می‌رسد بهتر بود تیترا و عناوین این فصل بیشتر می‌شد. تیتراهایی